

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

ضمیمه انترناسیونال شماره ۹۱۳  
سه شنبه ۶ فروردین ۱۴۰۰ - ۲۶ مارس ۲۰۲۱

### "کمیته رصد" یعنی اعتراف به شکست کاظم نیکخواه

این هفته حسین ذوالفقاری معاون وزارت کشور جمهوری اسلامی از تشکیل کمیته ای تحت عنوان "کمیته رصد برای تامین امنیت کشور" خبر داد و گفت که این کمیته در سال ۹۹ با حضور دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی و سایر دستگاهها تشکیل شده است. او گفت این کمیته بطور مستمر در طول سال وضعیت کشور را رصد میکند و کوچکترین مشکل و نارسایی را در کوتاهترین زمان ممکن پیگیری خواهد کرد. بنا به گفته او شورای عالی امنیت کشور تشکیل این کمیته را تصویب کرده است. او گفت که "افزایش آسیبها در حوزه اقتصادی، معیشتی، و همچنین پیامدهای بیماری کرونا و تاثیرات آن در زندگی مردم کار تامین امنیت را سخت تر کرده است."

مساله اساسی اینست که کل این حکومت با زندگی مردم در تضاد و تناقض کامل است. اقتصادش یک اقتصاد قاچاق و مافیائی است و برای مردم فقط فقر و فلاکت و گرانی و مشقت تولید میکند. اسلام و سنتهایش بر گرفته از عقب مانده ترین سنتهای دورانهای جاهلیت است و با ارزشهای امروز جامعه بشری مطلقا خوانایی ندارد و زنان و جوانان و مردم میخواهند آزاد و مدرن و با معیارها و سنتهای این قرن زندگی کنند. قوانین و دادگاههایش سرکوبگرانه و ضد دخالتگری و تحرک و تصمیم مردم است. هیچ چیز این حکومت با زندگی انسانی خوانایی ندارد. مردم جان بلبشان رسیده است. بویژه با این اقتصاد فلج و به گل نشسته ای که درست کرده اند بخش اعظم

گویی تا کنون کم کمیته و زندان و نهاد و جاسوس و وزارتخانه و قوه قضائیه و نهادهای امنیتی داشته اند و تازه به فکر رصد اعتراضات مردم افتاده اند! همه میدانند که حکومت اسلامی یک حکومت پلیسی و سرکوب و زندان است. از ابتدای روی کارآمدنش چنین بوده است. کارشان مدام این بوده است که هر روز طرح و نقشه ای برای مقابله با اعتراضات بخشهای مختلف مردم بریزند. حتی بارها مانور ضد شورشهای کارگری در جلوی چشم مردم برپا کردند. میخواستند با این نوع تحرکات

# تلویزیون کانال جدید

## علاوه بر ماهواره "یاه ست"،

## از ماهواره "یوتل ست"

## نیز شروع به پخش برنامه کرده است

### در این شماره انترناسیونال:

- شماره صفحه:
- ۱ و ۲ "کمیته رصد" یعنی اعتراف به شکست رژیم. کاظم نیکخواه
- ۲ دادخواهی خانواده ها و مادران داغدار بر سر چیست؟ حسن صالحی
- ۳ مدیای اجتماعی میدان جدال سیاسی و طبقاتی مهمی در جامعه است. اصغر کریمی
- ۳، ۴ و ۵ جمهوریخواهی "ملوکانه" و جایگاه اپوزیسیون راست. حمید تقوایی
- ۶ اول ماه مه روز به چالش کشیدن جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه است. حسن صالحی
- ۷ اعتراضات وسیع و سراسری علیه تبعید زندانیان سیاسی. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
- ۸ بیانیه زندانیان رجائی شهر پیرامون تشدید آزار و اذیت زندانیان سیاسی
- ۹ و ۱۰ از مدیای اجتماعی حزب
- ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اطلاعیه های حزب
- ۱۵ اطلاعیه تلویزیون کانال جدید

مردم بطور علنی از جارو کردن بساط حکومت و سرنگونی حرف میزنند. زندانیان سیاسی در مقابل فشارها و تهدیدها سینه سپر میکنند و سیاستهای حکومت را به مصاف می گیرند.

نیست. جمهوری اسلامی تا کنون با زور زندان و سرکوب و تهدید و دستگیری سرپا مانده است. اما فضای جامعه بیشتر و بیشتر به سمت سرنگونی چرخیده است. مردم علنا دارند علیه آخوندها و قوانین اسلامی حرف میزنند. بخشهای مختلف

جامعه یعنی کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران تامین ساده ترین معاش روزانه برایشان به یک شکنجه و زجر و عذاب تبدیل شده است. نتیجه اینکه کل این اوضاع برای مردم مطلقا قابل تحمل

ادامه در صفحه ۲

# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## فاجعه و زخم عمیق جنایات بی شمار جمهوری

## اسلامی با برچیدن نظام جمهوری اسلامی و محاکمه

## همه مقامات و مسئولین آن التیام خواهد یافت.

## هرگونه تخفیف در این خواست طبیعی است که با

## واکنش خانواده های داغدار و بازماندگان قربانیان

## جمهوری اسلامی روبرو خواهد شد.

### دادخواهی خانواده ها و مادران داغدار بر سر چیست؟

حسن صالحی



رساندن ۱۵۰۰ تن از معترضین آبان ۹۸ و دیگر مواردی نظیر قتل معترضین در اعتراضات سالهای ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و قتل های زنجیره ای دهه هفتاد باید بعنوان جنایات هولناک علیه بشریت شناخته شود و تحت همین عنوان ثبت گردد. مسئول و عامل این جنایات کل نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و دارو دسته هایش و مقامات قبلی و کنونی حکومتند. باید در سطح بین المللی هیات های ذیصلاح برای تحقیق و روشن کردن جزئیات مربوط به این جنایات تشکیل بشود و همه آمرین و عاملین مستقیم و غیر مستقیم این جنایات شناسائی و معرفی و بازداشت شوند و به محاکمه کشیده شوند. همه اطلاعات در مورد این جنایات هولناک باید علنی بشود و در اختیار جامعه قرار بگیرد. تعداد قربانیان، اسامی آنان، تاریخ و چگونگی بقتل رسیدن و محل خاکسپاریشان باید اعلام بشود.

فاجعه و زخم عمیق جنایات بی شمار جمهوری اسلامی با برچیدن نظام جمهوری اسلامی و محاکمه همه مقامات و مسئولین آن التیام خواهد یافت. هرگونه تخفیف در این خواست طبیعی است که با واکنش خانواده های داغدار و بازماندگان قربانیان جمهوری اسلامی روبرو خواهد شد.

حاکم اعدام و شکنجه شده یا به زندان افتاده و زندگیشان تباه شده است، همه زندانیان سیاسی، فعالین جنبش علیه اعدام، فعالین جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، همه مردم آزاده ایران خواهان روشن شدن پرونده جنایات حکومت و محاکمه کلیه آمرین و عاملین این جنایات هستند. این همان جنبش دادخواهی است که هر روز گسترده تر می شود. گذشت زمان نمی تواند و نباید عاملی باشد که ما این جنایات هولناک را ببخشیم و یا فراموش کنیم. بخشهایی از خود حکومت و یا اپوزیسیون اصلاح طلب جمهوری اسلامی با ابراز مخالفت با بخشی از این جنایات از بخشش و سازش ملی دم میزنند تا نظام اسلامی را از خشم و دادخواهی مردم نجات دهند.

ما دادخواهیم. ما خواهان اجرای عدالت هستیم. اجرای عدالت مفهوم روشنی دارد و البته با انتقامجویی تفاوت دارد. اجرای عدالت به این معناست که اولاً کشتارهای وسیع زندانیان سیاسی در دهه شصت و همچنین به قتل

جمهوری اسلامی مسئول قتل و کشتار دهها هزار نفر از مردم ایران در طول ۴۲ سال حاکمیت ننگین خود است. چه آنها که در اوایل به قدرت رسیدن این حکومت در ترکمن صحرا و کردستان به قتل رسیدند و چه هزاران زندانی سیاسی که در دهه ۶۰ در زندانها بیرحمانه کشتار شدند. این رژیم مسئول اصلی قتلهای زنجیره ای در دهه هفتاد، ترور رهبران و چهره های سیاسی اپوزیسیون در خارج کشور است. جمهوری اسلامی عامل اصلی کشتار معترضینی است که در سالهای اخیر در اعتراضات خیابانی مورد آماج گلوله قرار گرفتند و یا در سیاهچالها و شکنجه گاههایی نظیر کهریزک در سال ۸۸ با شکنجه و درد به قتل رسیدند. این حکومت عامل قتل ۱۷۶ سرنشین هوایمی مسافربری اوکرائینی است که با شلیک موشک سپاه پاسداران پرپر شدند و جان عزیزشان را از دست دادند.

این جنایات بی شمار جمهوری اسلامی بسیاری از خانواده ها را در ایران داغدار کرده است. در هر کوی و برزن شما بطور قطع خانواده هایی را خواهید یافت که عزیزی از آنها توسط جمهوری اسلامی کشته شده است. خانواده ها و بازماندگان قربانیان دهه شصت و کشته شدگان آبان ۹۸، وابستگان کلیه افرادی که بدست جلادان

ادامه از صفحه ۱

به هم ریخته و نهادهای مختلف را به جان هم انداخته است. تلاش برای تخفیف اختلافات و یک نوع معدل گرفتن از موضع جناحهای مختلف هم هدف دیگر حکومتیان از تشکیل چنین نهادهایی است.

سوال اینست که آیا چنین تلاشهایی کمکی به بهبود وضعیت حکومت خواهد کرد؟ جواب به این سوال هم قطعاً منفی است. اینها هرچه از جاسوسی و رصد و تهدید و دستگیری و زندان از دستشان بر آمده کرده اند و به اینجایی رسیده اند که الان هستند.

اعتراضات و اعتصابات و تجمعات کارگران و معلمان و بازنشستگان هر روز گسترش بیشتری می یابد.

نتیجه اینکه فشارها و تهدیدات و اعدام و زندان که قرار بوده است مردم را مرعوب کند، آشکارا نتیجه عکس داشته است. هیچ حکومتی نمیتواند با اراده اکثریت عظیم مردم برای رهایی برای مدت طولانی ای با سرکوب و زندان مقابله کند. بویژه امروز در دنیای ارتباطات و مدیای اجتماعی و همبستگی و

## ”زندانیان سیاسی در مقابل فشارها و تهدیدها سینه سپر میکنند و سیاستهای حکومت را به مصاف می گیرند. اعتراضات و اعتصابات و تجمعات کارگران و معلمان و بازنشستگان هر روز گسترش بیشتری می یابد.“

هرروز هم دارند بیش از پیش عقب رانده میشوند و توازن قوا به زیانشان تغییر میکند. در این شرایط باید به خودشان و به صفوفشان روحیه بدهند اما عملاً کار بیشتری نمیتوانند بکنند. مردم هم در واقع نمیتوانند در مقابل این همه فقر و مشقت و محرومیت ساکت بمانند. خشم و انزجار سراپای جامعه را گرفته است و این خشم و انزجار علیرغم هزینه های سنگینی که مردم پرداخته اند مدام از جایی بیرون زده و در درون حاکمین اسلامی سرمایه شکاف بیشتری ایجاد کرده است.

جامعه ایران آستن یک انقلاب اجتماعی علیه حکومت و کل سیستم حاکم است و با این تلاشها و تقلاها و کمیته رصد و امثال آن درست کردن نمیشود سیر حرکت پر صلابت این جامعه برای رهایی و دست یابی به آزادی و برابری و رفاه را متوقف کرد.

پیوندهای بین المللی بخشهای مختلف مردم این نوع حکومتها بیش از همیشه به یک وصله ناجور در جامعه بشری تبدیل شده اند و یکی یکی دارند گورشان را گم میکنند. هیچ وقت در تاریخ هیچ حکومتی نتوانسته مدتهای مدید علیه اکثریت مردمی که قصد سرنگونیش را دارند بایستد. و امروز این حکم صد بار بیشتر صادق است که وقتی که مردم اراده کنند با سرکوب نمیشود آنها را عقب راند.

این وضعیت جمهوری اسلامی است و تشکیل کمیته رصد و اعلام علنی آن در واقع بیش از هر چیز تلاشی برای روحیه دادن به صفوف روحیه باخته خود حکومت است. میخواهند بگویند ما حواسمان هست و اگر سیاستهای تاکنونی برای ارباب مردم به شکست رسیده، کارهای دیگری را در دستور داریم. بعلاوه فضای سرنگونی طلبی گسترده در جامعه صفوف این حکومت را



## مدیای اجتماعی میدان جدال سیاسی و طبقاتی مهمی در جامعه است اصغر کریمی



عناصر رژیم به مثابه بخشی از دستگاه جاسوسی و سرکوب از سالها قبل تشکیل شده است. اما اینهم در مقابل نسل آگاه و معترض امروز کارایی نداشته و خامنه ای و صبح صادق و جهرمی را ناامید کرده است.

جهرمی وزیر ارتباطات گفته است: فیلترینگ و سانسور کارایی ندارد. با فیلترینگ جلو شکاف نسل ها را نمیتوان گرفت.

مسئولان حکومت (چپ و راست) توان تربیت فرزندان خودشان را هم نداشتند. شما از آنها انتظار تربیت جامعه را دارید؟

راهکار موثر، تکیه بر جوانهای خلاق و وارد شدن در رقابت با پلتفرمهای بین‌المللی است.

موانع داخلی و تنگ نظریها رفع شود، جوانهای توانمندی داریم.

مخاطب جهرمی خامنه ای و جناح مقابل هستند. جناح مقابل نیز به ناکارایی خود اعتراف کرده اما راه حل دیگری را نشان میدهد. از جمله روزنامه صبح صادق وابسته به سپاه پاسداران گفته بود که جوان های دهه هفتاد و هشتاد برای نظام یک خطر هستند و خامنه ای سرپوشیده تر، طبق معمول، گفته بود که جوان ها در فضای مجازی امیدآفرینی کنند. منظورش به زبان آدمیزاد این بود که نیروهای نظام بی‌افق و ناامید شده اند باید ارتش سایبری نقش آفرینی کند. موضع سپاه و صبح صادق نیز در همین راستا است.

مجموع این اظهار نظرها یعنی حریف نسل جوان نشده ایم و آنها به خطری برای نظام تبدیل شده اند. بنابراین راه حل اصلی حکومت مقابله با این نسل از طریق سرکوب است. اما مشکل فقط این نسل نیست از نسل جوان تا بازنشسته ها که دست از سر حکومت برنمی‌دارند همه خطری برای نظام هستند. جوان های خلاق مورد نظر جهرمی نیز نهایتاً همان ارتش سایبری است که از لمپن ترین و کثیف ترین

## جمهوریخواهی "ملوکانه" و جایگاه اپوزیسیون راست حمید تقوایی



اخیرا ویدئوئی از صحبت‌های رضا پهلوی در یک جلسه غیرعلنی در مدیای اجتماعی پخش شده است و بحث‌هایی را برانگیخته است. محور صحبت رضا پهلوی اینست که جمهوریخواه است، جمهوری را بر نظام سلطنتی ترجیح میدهد و نظام موروثی را دموکراتیک نمیداند. این صحبتها عکس‌العملهای متفاوتی بدنبال داشته است. عده ای از سلطنت طلبان دو آتش تلاش دارند موضوع را عادی جلوه بدهند، میگویند ایشان قبلا هم از این حرفها زده است و منظورش اینست که میخواهد شاه انتخابی باشد! عده ای هم از موضع چپ همین را میگویند. میگویند کاسه ای زیر نیم

کاسه هست، ایشان همچنان میخواهد شاه باشد ولی بطور سمبلیک و انتخابی. بعضی هم میگویند مخفیانه قبول نیست باید منتظر اعلام علنی و رسمی بود. برخی از جمهوریخواهان هم از این اظهارات "شاهزاده" استقبال کرده اند. اعلام میکنند که این مواضع شاهزاده باعث اتحاد و تقویت جمهوریخواهی میشود.

اما واقعا قضیه از چه قرارست؟ چرا رضا پهلوی از خیر سلطنت گذشته است و نتایج این امر چیست؟ در اینجا هم مثل برخورد به هر پدیده سیاسی ای باید زمینه ها و نتایج را بررسی کرد.

### زمینه های بن بست سلطنت طلبی

موضعیگری اخیر رضا پهلوی قبل از هر چیز بر یک مشاهده و ارزیابی سیاسی از شرایط امروز جامعه ایران مبتنی است. این مشاهده که سیستم

سلطنتی در میان مردم ایران جایگاهی ندارد. و لذا استراتژی اعاده سلطنت راه بجائی نمیبرد.

مردم ایران با انقلاب ۵۷ با سلطنت تعیین تکلیف کردند و اکنون با بیش از چهاردهه تاخیر شاهزاده میفهمد بازگشت به تاج و تخت ممکن نیست. ما از همان ابتدا اعلام کردیم کسانی که گذشته را وعده میدهند آینده ای ندارند و امروز ظاهرا سمبل و نماینده اعاده گذشته نیز ناگزیر شده است این واقعیت را بپذیرد.

البته آنچه ایشان را به این نتیجه رسانده تعمق در مفهوم دموکراسی و حقوق بشر و تناقض آن با سلطنت موروثی و اصل مسئولیت بر مبنای لیاقت و نه بر اساس اصل و نسب و غیره نیست. این ابتدائیات برای هرکس بوئی از تمدن و مدنیت برده باشد جزو بدیهیات است. مشکل رضا پهلوی اینست که اعتراضات توده ای محاسبات ایشان را تماما درهم ریخته است.

آنچه "شاهزاده" و اپوزیسیون سلطنت طلب جمهوری ادامه در صفحه ۴



## ناسیونالیسم ایرانی بر خلاف ناسیونالیسم در غرب در برابر عقبان‌دگی‌های قرون وسطائی سر بلند نکرده است بلکه با پرچم احیای عظمت از دست رفته ایران در برابر نیروهای بیگانه دنیا آمده و از همان ابتدا - از زمان شکل‌گیری اجتماع‌یون عامیون و جمهوری شورائی گیلان تا امروز - بیشتر علیه چپ و آزادیخواهی و برابری طلبی رادیکال چپ بوده است تا علیه مذهب و سلطنت. عظمت طلبی فارس، ملقمه‌ای از ناسیونالیسم افراطی و راسیسم و آنتی کمونیسم، وجه مشترک سلطنت طلبی و جمهوریخواهی در میان صفوف اپوزیسیون راست است.

شبهات و نزدیکی ترامپ‌بیسیم به تصویری بود که اپوزیسیون راست از حکومت مطلوب خود داشت. الگوی یک نیروی ضد خارجی مقتدر و طرفدار احیای میهن خود در جهان. ترامپ تجسم رویاهای ملوکانه و حتی جمهوریخواهانه اپوزیسیون راست ایران است. الگوی مطلوب آنها ترجمه جهان سومی است، یعنی روسای جمهوری نظیر اردوغان و پینوشه و بولسونارو رئیس‌جمهور ترامپیست برزیل. از این نقطه نظر نیروهای جمهوریخواه ایرانی در کنار راست افراطی و نیروهای راسیست و برتری طلبان نژاد سفید قرار میگیرند. این دکتترین و سیستم ارزشی فوق ارتجاعی پایه‌ای ترین علت بی ربطی نیروهای اپوزیسیون راست، اعم از سلطنت طلب، جمهوریخواه، و یا هر نیروی بینابینی، به فضا و شرایط سیاسی در ایران امروز است.

### آیا جمهوریخواهی تقویت میشود؟

اولین نتیجه‌ای که از بررسی فوق میتوان گرفت اینست که اظهارات رضا پهلوی، برخلاف آنچه سلطنت طلبان دو آتشه و برخی از نیروهای چپ، یکی با هدف تاکید تعهد

ناسیونالیسم در غرب در برابر عقبان‌دگی‌های قرون وسطائی سر بلند نکرده است بلکه با پرچم احیای عظمت از دست رفته ایران در برابر نیروهای بیگانه دنیا آمده و از همان ابتدا - از زمان شکل‌گیری اجتماع‌یون عامیون و جمهوری شورائی گیلان تا امروز - بیشتر علیه چپ و آزادیخواهی و برابری طلبی رادیکال چپ بوده است تا علیه مذهب و سلطنت. عظمت طلبی فارس، ملقمه‌ای از ناسیونالیسم افراطی و راسیسم و آنتی کمونیسم، وجه مشترک سلطنت طلبی و جمهوریخواهی در میان صفوف اپوزیسیون راست است.

آخرین نمونه این سیستم ارزشی ارتجاعی اپوزیسیون راست در دفاع از ترامپ در انتخابات اخیر آمریکا بروز پیدا کرد. همه نیروهای اپوزیسیون راست از سلطنت طلبان تا جمهوریخواهانی که خود را سکولار دمکرات مینامیدند پشت سر ترامپ و در مقابل دمکراتها و مردم و جنبشهای مترقی در آمریکا علیه ترامپ - از میخوام نفس بکشم تا جنبش آنتی فا - به صف شدند. و این صرفاً یک موضع تاکتیکی - دفاع از ترامپ به خاطر سختگیری اش به جمهوری اسلامی - نبود. بلکه بخاطر

ندارند، بلکه اینست که کل گفتمان راست، از "انقلاب ۵۷ اشتباه بود" تا "نظام شاهنشاهی جزئی از فرهنگ ایرانیان است" و تا "خدمات سلسله پهلوی" و "نوستالژی دوران ماقبل انقلاب" و تا شاه بعنوان "سمبل وحدت ملی" و غیره و غیره دود میشود و به هوا می‌رود. کل فرهنگ سیاسی ارتجاعی مبتنی بر نهاد سلطنت زیر پایش خالی میشود و آنچه عملاً با انقلاب ۵۷ به زباله دان تاریخ افکنده شده بود در فضای سیاسی اپوزیسیون راست و در ذهنیت خودفریب از تخت افتادگان نیز به دور انداخته میشود.

### سیستم ارزشی

### اپوزیسیون راست

وجه مشترک دیگر سلطنت طلبی و جمهوریخواهی در صفوف اپوزیسیون راست البته ایدئولوژی و دکتترین ناسیونالیستی و سیستم ارزشی ناسیونالیستی - راسیستی آنهاست. جمهوری طلبی راست نیز به همان اندازه سلطنت طلبی بر عظمت ایران و افتخارات نیاکان و تاریخ هزاران ساله و تمامیت ارضی و حقوق بشر کورشی متکی است. قلب لیبرالیسم ایرانی بیشتر برای امپراتوری از دست رفته می تپد تا برای جمهوری ناسیونالیسم ایرانی بر خلاف

اپوزیسیون راست با اصلاح طلبان حکومتی از همین جا ناشی میشود. بد و خوب کردن "روحانیت" و عکس گرفتن با جنبش سبز و بنفش و سکوت در برابر "شهادت سردار ملی" قاسم سلیمانی و پیام همبستگی به "بزرگان کشوری و لشگری" در اوج خیزش ۹۸ و غیره و غیره، همه نشاندهنده یک همسوئی استراتژیک با اصلاح طلبان حکومتی است، یعنی همسوئی با جریانی که آن هم میخواهد با حداقل تغییرات نظام حاکم را حفظ کند. خط و افق استحاله نه تنها دوخوردادها بلکه اپوزیسیون راست - اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه - را نیز در بر میگیرد. این خط هیچگاه در میان توده مردم جایگاهی نداشته است اما آنچه پرونده آنرا برای همیشه بست خیزش ۹۶ بود. شعار "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" میخ آخر نه تنها به تابوت اصلاح طلبی حکومتی بلکه به تابوت اپوزیسیون راست متحد آن نیز بود. بنابراین از این زاویه استراتژیک نیز گفتمان اعاده گذشته دردی را از نیروهای خواهان "حفظ نظام با حداقل تغییرات" دوا نخواهد کرد.

انصراف از سلطنت تنها دست کشیدن از تاج و تخت نیست، مشکل سلطنت طلبان تنها این نیست که دیگر شاه

اسلامی روی آن حساب باز کرده بود نوستالژی دوران پهلوی و حسرت دوران گذشته در جامعه‌ای است که تحت سلطه جنایات و توحش حاکم به خود می پیچد. اما این نوستالژی بیش از هر چیز احساس از تخت افتادگان بود و نه توده مردمی که تخت سلطنت را از زیر پای شاهزاده کشیده بودند. همه حرکت‌های توده‌ای از ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی و بویژه از خیزش ۹۶ و ۹۸ تا اعتصابات گسترده کارگری و تجمعات معلمان و بازنشستگان و تا تحولات در همین هشت مارس - روزی که رضا پهلوی اعلام انصراف از شاهزادگی داده است - نشان میدهد که مقابله مردم با جمهوری اسلامی در امتداد مقابله آنها با رژیم پهلوی است و نه در توهم به آن. آزادی و برابری و اداره شورائی گفتمان و خواست انقلاب ۵۷ هم بود. در چنین جامعه‌ای که در مقابله با جمهوری اسلامی رادیکال ترین و پیشروترین و انسانی ترین خواستها و اهداف را مطرح میکند و مشت به آسمان میکوبد اعاده گذشته، حتی به معنی تحت اللفظی کلمه "عقبگرد" و فوق "ارتجاعی" است. هیچ نیروئی نمیتواند جامعه‌ای که یک بار با کل نهاد سلطنت تعیین تکلیف کرده است را به عقب بکشد.

در یک سطح پایه‌ای تر استراتژی بازگشت به سلطنت برای کل اپوزیسیون راست این ارزش مصرف را هم داشت که سرنگونی جمهوری اسلامی را به "انحلال" و "براندازی" سران حکومت تقلیل بدهد و کل دستگاه سرکوب و بوروکراسی و نیروهای مسلح و زندانها و در یک کلام کل ماشین حکومتی مافوق مردم را حفظ کند. احیا سلطنت نهایتاً یعنی حفظ همین بساط با جابجائی "ولی خدا" با "سایه خدا".

همسوئی و همراهی رضا پهلوی و سلطنت طلبان و جمهوریخواهان در کمپ

ادامه از صفحه ۴

شاهزاده به سلطنت و دیگری عدم تعهدش به جمهوریت، میگویند، یک مانور سیاسی برای "به روز کردن سلطنت طلبی" و پیچیدن آن در یک لفاظیه تازه نیست. این یک تصمیم سیاسی از سر بن بست و ورشکستگی است. این ادامه روندی است که در تمام قرن گذشته از انقلاب مشروطه تا امروز، جریان داشته است.

تاریخ معاصر ایران تاریخ شاهان دربدر بوده است. از محمدعلیشاه و احمد شاه تا رضا شاه و محمد رضا شاه. جامعه معاصر ایران مدام شاه را به بیرون تف کرده است و امروز رضا پهلوی، شاهزاده ای که انقلاب ۵۷ نه تنها به سلطنت دودمانش بلکه به کل سیستم شاهنشاهی پایان داد، شاید بدون آنکه خود متوجه باشد دارد به این واقعیت اعتراف میکند.

اما پیامدهای این گذار چیست؟ صفوف و اپوزیسیون راست چه تغییراتی میکند و تاثیر آن بر کل فضا و شرایط سیاسی در ایران کدامست؟

اولین نکته اینست که سلطنت طلبان تمام تلاششان را میکنند که "شاهزاده" این بحث را پی نگیرد، جلسه داخلی به اظهار نظر رسمی و علنی منجر نشود و باصطلاح نیم کلاچ، با فرمول شاه انتخابی این بحران را از سر بگذرانند. اما مستقل از اینکه رضا پهلوی در آینده چه بکند، به سمت جمهورخواهی پیش برود و یا شاه دموکراتیک، تا همینجا سلطنت طلبی ضربه سختی خورده است. آب رفته را نمیتوان به جوی برگرداند. "شاهزاده مردد" همانقدر ارزش مصرفش را از دست داده است که "شاهزاده منصرف". شاه انتخابی هم مانند رئیس جمهور مادام العمر تناقض در خود است. بنابراین سلطنت طلبان دلاخور از شاهزاده باید فکری بحال خود بکنند. حزب مشروطه اگر نخواهد خود را منحل کند ناگزیرست تا اطلاع ثانوی، کرکره را پائین بکشد.

سؤال جدی تر اینست که آیا جمهوری پناه شدن رضا پهلوی جنبش جمهورخواهی و نیروهای جمهورخواه را تقویت نمیکند؟ آیا باعث وحدت و تقویت گرایش و نیروهای جمهورخواه در صفوف اپوزیسیون راست نمیشود؟ به نظر من جواب این سئوالات منفی است. گرچه جمهورخواه شدن رضا پهلوی شانس او را در باقی ماندن در صحنه سیاسی ایران افزایش میدهد ولی این به معنای تقویت نیروهای راست حول جمهوریت نیست.

واقعیت این است که جمهورخواهی نیز مانند سلطنت مشروطه در تاریخ معاصر ایران ناقص و الکن و بی جریزه دنیا آمده است. هیچ زمان نقد و اعتراضی به اعلیحضرت نداشته است و حداکثر از "اپوزیسیون اعلیحضرت" فراتر نرفته است. حتی همین انتقادات نیم بند رضا پهلوی به سلطنت موروثی و تناقض حقوق بشر و دموکراسی با نظام شاهنشاهی و نظایر آن هیچ زمان بر زبان حتی لیبرالهای تاریخ معاصر ایران جاری نشده است. از انقلابیون صدر مشروطیت که مقید کرن قدرت شاه نهایت آزادیخواهیشان بود، تا جبهه ملی و نهضت آزادی و محمد مصدق و مهدی بازرگان و شاپور بختیار که در استراتژی همیشه جایگاه ویژه ای برای اعلیحضرت قائل بودند، و تا سکولاردمکراتهای امروزی که کمتر از "شاهزاده" رضا پهلوی را خطاب نمیکند، لیبرالیسم و پارلمنتاریسم ایران بر بستر سلطنت خود را تعریف کرده و رشد یافته است.

در این میان مذهب هم یک پای دیگر ماجرا بوده است. مشروعه، مخالفت مدرس و دیگر آخوندها با تمایلات جمهورخواهانه در زمان سردار سپه، اپوزیسیون مذهبی علیه رژیم شاه از مجاهد تا نهضت آزادی تا اسلام نوع خمینی تا دوردادیهای امروز، بیشتر با پاسداری از فرهنگ خودی در برابر فرهنگ استعماری غرب

خود را تداعی کرده اند تا با آزادیخواهی و جمهورخواهی نوع غربی. تاریخ دیکتاتوری در ایران معاصر تنیده شده در مذهب و سلطنت است و جمهورخواهی ایرانی نه تنها با هیچیک از این دو ترند اصلی مقابله نکرده است بلکه همراه و همدوش آنها حرکت کرده است. نقل مکان رضا پهلوی از سلطنت به جمهورخواهی در همین فضا و بر همین بستر رخ میدهد.

امروز بعد از اعلام انصراف رضا پهلوی از سلطنت جمهورخواهان به شوق آمده اند. امیدوارند که "شاهزاده منصرف" رونقی به جمهورخواهی بدهد. اما نفس همین توهم نشان میدهد که جمهورخواهی وطنی تا چه حد از پائین ترین سطح توقعات یک لیبرال در جوامع امروزی عقب تر است. جامعه جمهورخواهی که به شاهزاده امید میبندد را همانقدر جدی میگیرد که جمهورخواه شدن شاهزاده را.

اساس بحث ضعف و سترونی و بی ربطی این یا آن گرایش در میان اپوزیسیون راست نیست، بلکه ضعف و بی افقی و بیجربزگی کل بورژوازی ایران است. اپوزیسیون بورژوازی، چه در دوره انقلاب مشروطه و چه در دوره پهلوی و چه امروز، توان و اراده و قدرت مقابله با عقبماندگیهای ماقبل جوامع مدنی و بلند کردن پرچم آزادیخواهی و مدنیت را حتی به معنای

لیبرالیسم پارلمانی نداشته است. اگر نقد سلطنت، حتی در همان حدی که امروز از جانب رضا پهلوی اعلام میشود از جانب دهخداها و مصدقها و شاپور بختیارها مطرح میشد، اگر انقلابیون صدر مشروطه بجای مشروطیت بر جمهوریت تاکید میکردند، و اگر اپوزیسیون ملی - مذهبی دوره پهلوی بجای افتخارات ملی - میهنی و شیعه علوی و حفظ احترام روحانیت مبارز، بر جمهوریت و جامعه مدنی و آزادیهای مدنی مبتنی بر جمهوریت تاکید میکرد، امروز نه جمهوری اسلامی بر سر کار بود و نه به طریق اولی جمهوریت نیمه سلطنتی

نیمه مذهبی محلی از اعراب نداشت.

به این دلایل من فکر نمیکنم جنبش جمهورخواهی از انصراف رضا پهلوی سود چندانی ببرد. جمهورخواهی پارلمانی نیز مانند سلطنت بیش از آن به شرایط سیاسی ایران بیربط است که با مدال "شاهزاده" جمهوری پناه به سینه خود جایگاهی در تحولات سیاسی جامعه پیدا کند.

با توجه به سابقه طولانی مجلس فرمایشی و فرمال در ایران - از زمان رضا شاه تا مجلس شورای اسلامی در زمان حاضر - الگوی جمهوری پارلمانی حتی باندازه نوستالژی سلطنتی از تخت افتادگان جایی در میان مردم و کل فضای سیاسی ایران

۲۱ مارس ۲۰۲۱



## فرکانس تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست  
فرکانس: ۱۱۷۶۶  
پولاریزاسیون: عمودی  
سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰  
اف ای سی: ۷/۸

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)



## اول مه روز به چالش کشیدن جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه است!

حسن صالحی

### پیش بسوی روز جهانی کارگر

۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر، با صدای بلند اعلام کنیم:

که بردگی مزدی و استثمار انسان از انسان باید برای همیشه پایان یابد. دست بنگاه های سرمایه داری، مراجع مذهبی و فرماندهان و آقازاده ها، مافیای اقتصادی و سایر مفتخوران باید از زندگی مردم کوتاه شود. وسائل تولید، کارخانه ها، زمینها، شرکت ها و بانکها به دارائی جمعی کل جامعه تبدیل شود.

اعلام کنیم که جامعه ای مبتنی بر برابری، رفاه همگانی و عدالت اقتصادی می خواهیم و با مبارزات خود آنرا پایه گذاری خواهیم کرد.

اجتماعی، لغو قوانین تبعیض آمیز و برچیده شدن بساط سرکوب و اعدام از مراکز کار و تولید طنین انداز شود و یکبار دیگر نگاه جامعه به نیروی قدرتمند طبقه کارگر جلب شود.

تنها تضمین پیشروی و پیروزی در مبارزه برای برزیر کشیدن جمهوری اسلامی عروج قدرتمند طبقه کارگر با حزب سیاسی اش، حزب کمونیست کارگری، با کلیه نهادها و چهره ها و تشکلهایش در دل و در راس مبارزات توده ای است. این پیام اول ماه مه امسال برای نجات مردم ایران از منجلاب اسلامی سرمایه

این خواستها در بیانیه های اول ماه مه محدود شود. چهره ها، فعالین و نهادهای کارگری باید قبل از هر چیز بتوانند پیشاپیش مبارزات زنان و جوانان و نود و نه در صد مردم متنفر از رژیم اسلامی حضور داشته باشند و پیروزی این مبارزات را تضمین کنند. از سوی دیگر ما از یاد نبرده ایم که حضور کارگران صنعت نفت در انقلاب ۵۷ با خواست لغو حکومت نظامی و آزادی زندانیان سیاسی چه ضربه مهلکی بر پیکر حکومت سلطنتی پهلوی وارد آورد. اکنون نیز باید به سمتی برویم که خواستهایی نظیر آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به پیگیری فعالین کارگری و

خواستههای سیاسی همه مردم است نظیر آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، لغو فوری مجازات اعدام و مقابله با کل سیستم وحشیانه قضایی اسلامی و پایان دادن به پیگرد و اذیت و آزار فعالین اجتماعی، لغو حجاب اجباری و قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، خواست بهداشت و تحصیل رایگان برای همه، خواست هوای سالم و پاکیزه و مقابله با سیاستهای ویرانگر محیط زیست جمهوری اسلامی و خواست حمایت از حقوق انسانی دگرباشان جنسی و موارد دیگر با صراحت تمام مطرح شود.

اما مسئله فقط نباید به طرح

دادن به کل این وضع نشان دهد.

در ایران سلطه سرمایه داری در شکل حاکمیت ارتجاع مذهبی و قرون وسطایی، کل جامعه را به سمت نابودی و قهقرا برده است. اینجا مبارزه علیه نابرابری اقتصادی و فقر و استثمار با مبارزه برای کوتاه کردن دست مذهب، مبارزه علیه آپارتاید جنسی و علیه اعدام و سرکوب و توحش عجین شده است. این تنها کارگراند که می توانند به کل این وضع خاتمه دهند چرا که در ادامه این وضع هیچ سودی ندارند. کارگران نه در نظم بهره کشی از انسان و تداوم کار مزدی ذینفع هستند و نه در بقای اسلامیسیم و قوم پرستی و خاک پرستی. اتحاد کارگران بر سر رهایی خود و جامعه انسانی است. این اتحادی است در مقابل جهنمی که یک درصدی ها با هر رنگ و لعابی برای ما ساخته اند.

همه ما امروز واقفیم که جامعه ایران در آستانه تحولات مهم و زیر و رو کننده ای قرار دارد. وقتی که مادران دادخواه از آخرین نوروز خامنه ای سخن می گویند و وقتی که حاکمان اسلامی از بیم و نگرانی خود از به دریا ریختنشان به دست مردم حرف می زنند و با کابوس شورش گرسنگان روز و شب را سر می کنند، در چنین شرایطی است که کارگران باید فعالتر و وسیعتر قدم به عرصه سیاست بگذارند و در پیشاپیش مردم معترض به صدای رسای همه جامعه و مردم به ستوه آمده تبدیل شوند. اول ماه مه فرصتی است که این عروج سیاسی با برجستگی هر چه بیشتر دیده شود.

در بیانیه های اول ماه مه امسال علاوه بر خواستههای فوری و حیاتی طبقه کارگر نظیر افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری، کاهش ساعت کار، حق ایجاد تشکل و دست زدن به اعتصاب لازم است شعارهایی را که دربرگیرنده

اول مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر در راه است و آتش مبارزه و اعتراض علیه حکومت اسلامی سرمایه داران در همه جا شعله ور است. اول مه باید روز اعتراض علیه نفس حاکمیت جمهوری اسلامی بعنوان مدافع حاکمیت سرمایه داران در ایران باشد. تحقق خواستههای اقتصادی و رفاهی طبقه کارگر بدون به چالش کشیدن کل حاکمیت اسلامی سرمایه داری در ایران ممکن نیست.

تا آنجا که به حکومت بر می گردد این رژیم هیچگونه جوابی برای دردهای بیشمار مردم ندارد. این حاکمیت مشتئی مفتخور و دزد است که از قبل کار و زحمت مردم کارگر و زحمتکش و از طریق غارت و چپاول منابع طبیعی ثروت ارتزاق می کند. توده کارگر و زحمتکش در این نظام ستم و استثمار از نعمات ساخته دست خود بی بهره اند و فقط زمانی به حساب می آیند که وجودشان "تهدیدی" برای نظام باشد. آنوقت با گلوله و زندان و شکنجه به جان مردم می افتند تا خود را از خشم آنها نجات دهند. اما دیر زمانی است که توسل به سرکوب و خشونت عنان گسیخته نیز نتوانسته است راه حلی برای نجات جمهوری اسلامی باشد. چرا که به قول معروف بالاتر از سیاهی رنگی نیست و مردم حاضرند در چالش با حکومت هر هزینه ای را متقبل شوند ولی تسلیم نشوند و تسلیم هم نشده اند.

در حال حاضر اعتراضات وسیع و گسترده کارگری با خواستههای متعدد خود یکی از عواملی است که به دامن زدن به فضای مبارزاتی در سطح کل جامعه و چپ تر و رادیکال شدن آن کمک کرده است. در اول ماه مه لازم است که طبقه کارگر بعنوان نیروی اصلی در هم کوبیدن نظم ضد انسانی سرمایه داری و نیروی رها کننده کل جامعه از سیستم پر از تبعیض و نابرابری یک درصدیها به میدان بیاید و عزم و جزم خود را برای پایان

## اعتراضات سراسری و وسیع علیه تبعید زندانیان سیاسی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

و زندانیان را محکوم کرده و خواستار آزادی اسماعیل عبدی شده اند.

پیام زندانیان سیاسی و خانواده هایشان به مردم فراخوان به اعتراض سراسری علیه تبعیدها و برای آزادی زندانیان سیاسی است.

ما از شما مردم آزادیخواه و مدافعان آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکنیم تا با اعتراضات وسیع، تجمع در مقابل زندانها و در مقابل دفاتر رسمی رژیم، تبعید و پرونده سازی برای زندانیان سیاسی را محکوم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی شویم.

۲۲ مارس ۲۰۲۱ برابر با

۲ فروردین ۱۴۰۰

زندانیان سیاسی تبعید شده نیز ساکت نمانده اند. سپیده قلیان در پیامش از قضاوت قوه قضائیه سخن میگوید و آتنا دائمی اعلام میکند " فریاد من بر سر شماها همچنان بلند است." ۳۴ نفر از زندانیان سیاسی زن و مرد در زندانهای اوین، فشافویه و شیراز دست به اعتصاب غذا زده اند.

هجده تن از زندانیان سیاسی رجایی شهر در نامه ای به پرونده سازی و تبعید زندانیان اعتراض کرده اند.

در این رابطه همچنین شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و کانون صنفی فرهنگیان گیلان و نیز عفو بین المللی فشار بر روی اسماعیل عبدی

تبعید و پرونده سازی برای زندانیان سیاسی وحشت رژیم را نشان میدهد. رژیم به خیال واهی خود میخواهد با تبعید و فشار بر زندانیان و خانواده ها صدای اعتراض را خاموش کند؛ اما حتی خود رژیم نیز میداند زندانیان سیاسی سمبل اعتراض در جامعه میباشند و اعتراضشان خاموش شدنی نیست.

تلاش مذبوحانه رژیم نه تنها بیجواب نمانده بلکه با اعتراض زندانیان و خانواده هایشان روبرو شده است. خانواده های دادخواه در این سال نو با برپایی سفره هفت سین در مقابل زندانها و بر مزار فرزندانیشان و با دادن پیام نوروزی اعلام کرده اند که صدای فرزندانیشان هستند و فریاد دادخواهی را هر چه رساتر فریاد میزنند.

که زندانیان سیاسی را به زندانهای مختلفی که عمدتاً زندانیان با جرائم عادی در آن نگهداری میشوند تبعید کرده است. این اقدام هدفمند همیشه از سوی رژیم به عنوان روشی برای فشار بیشتر بر زندانی و به خطر انداختن امنیت جانی زندانی، جداکردن زندانیان شناخته شده از همدیگر و شکنجه روانی زندانیان سیاسی و خانواده هایشان اعمال شده است.

در طول دو سال اخیر ما شاهد تبعید تعدادی هرچه بیشتری از زندانیان سیاسی بوده ایم. این اقدام رژیم کاملاً هدفمند و سیستماتیک بوده و زنگ خطری است که باید با اعتراضات هر چه وسیعتر جواب بگیرد.

در طول هفته های اخیر شاهد تبعید تعدادی از زندانیان سیاسی به زندانهای مختلف بوده ایم. به دست و پای سپیده قلیان و آتنا دائمی دستبند و پابند زدند؛ سپیده را به زندان بوشهر و آتنا را به زندان لاکان رشت تبعید کردند. گلرخ ایرایی را چندی پیش به زندان آمل، مریم اکبری منفرد را به زندان سمنان، اسماعیل عبدی را به قزل حصار کرج و کسری نوری را به زندان عادل آباد شیراز تبعید کردند. زینب جلالیان را در طول یکسال اخیر به زندانهای مختلف تبعید کردند. در ماههای اخیر شاهد تبعید تعدادی از زندانیان سیاسی زن به زندان قرچک، زندان کجویی و زندان قوچان بوده ایم.

رژیم سالیان زیاد است

اطلاعیه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
در رابطه با اعتراضات سراسری و وسیع علیه تبعید زندانیان سیاسی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

@IranZendaniSiasi @IranCfppi @cfppi cfppilran

cfppiiran2006@gmail.com +44(0)7572356661/+31(0)682198347

www.cfppi.org

ما از شما مردم آزادیخواه و مدافعان آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکنیم تا با اعتراضات وسیع، تجمع در مقابل زندانها و در مقابل دفاتر رسمی رژیم، تبعید و پرونده سازی برای زندانیان سیاسی را محکوم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی شویم.

## بیانیه زندانیان رجایی شهر

- ۱- مطلب احمدیان
- ۲- محمد امیر خیزی
- ۳- افشین بایمانی
- ۴- آرشام رضایی
- ۵- آرش صادقی
- ۶- حسن صادقی
- ۷- جعفر عظیم زاده
- ۸- سهیل عربی
- ۹- ابوالقاسم فولادوند
- ۱۰- نصرالله لشنی
- ۱۱- بهنام موسیوند
- ۱۲- رضا محمد حسینی
- ۱۳- سعید ماسوری
- ۱۴- علی موسی نژاد فرکوش
- ۱۵- فرهاد میثمی
- ۱۶- محمد علی منصوری
- ۱۷- مهدی مسکین نواز
- ۱۸- آرش نصری

## پیرامون تشدید آزار و اذیت زندانیان سیاسی

جایی نبرده است این بار نیز این سیاستها راه به جایی نخواهد برد و پیشاپیش محکوم به شکست است.

۲۳ مارس ۲۰۲۱

و نتیجه بن بست لاعلاج سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است که خود در آن گرفتار آمده‌اند.

به طور قطع همان طور که تاکنون بکارگیری سیاست‌های سرکوبگرانه توسط حکومت راه به

می‌برند با تشدید آزار سیستماتیک زندانیان و خانواده‌های آنان و تضييع هر چه خشن‌تر حقوق‌شان می‌توانند آنها را به

سکوت و انفعال وادارند. بر این اساس است که تبعید زندانیان سیاسی به زندان‌های دور از محل سکونت و زندان‌هایی با جرایمی چون مواد مخدر و قتل و سرقت و... را توأم با آزار و اذیت در حین انتقال در دستور قرار داده‌اند.

بدیهی است چنین اقداماتی بیش از آن که حتی ذره‌ای موجب عقب‌نشینی ما زندانیان سیاسی در دفاع از حقوق انسانی‌مان بشود، بیانگر ترس و وحشت حکومت از فریاد عدالتخواهی ما

روشهای اعمال فشار بر زندانیان و آزار و اذیت خانواده‌هایشان است که در ماه‌های اخیر شدیدتر و گسترده‌تر شده است.

نهادهای امنیتی و قضات وابسته به این نهادها آشکارا دریافته‌اند که زندان نه تنها مانع و بازدارنده مبارزات حق طلبانه زندانیان سیاسی نشده، که خود به محل و مجالی برای تداوم مبارزات و مقاومت آنان تبدیل شده و از پشت دیوارهای بلندش، هر بار صدای حق‌خواهی زندانیان و افتادن تشت رسوایی حاکمیت استبداد، بلندتر و رساتر به گوش ایرانیان و جهانیان می‌رسد.

آنان به خیال باطل گمان

طی ماه‌های گذشته به رغم ادعاهای عالیترین مقامات قضایی جمهوری اسلامی پیرامون رعایت حقوق زندانیان سیاسی چیزی که عملاً و هر روزه در حال رخ دادن است نه ذره‌ای بهبود شرایط زندانیان، بلکه تشدید سرکوب و ضد انسانی‌تر کردن بیش از پیش شرایط آنان بوده است تا با بالا بردن هزینه زندان، مردم به جان آمده ایران و کنشگران سیاسی در سطح جامعه را مرعوب و مقهور سیاستهای سرکوب‌گرانه سازند.

انتقال به سلول انفرادی، توهین و تحقیر، ضرب و شتم، تشکیل پرونده‌های جدید و صدور احکام تازه و تبعید به زندانهای دور از محل سکونت و... از جمله

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر می‌شود.



از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran | اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 | تلگرام: telegram.me/wpi\_hkki | شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵



بیانیه جمعی از کنشگران در برابر نفرت‌پراکنی علیه افراد ال‌جی‌بی‌تی به بهانه جداسازی محوطه تئاتر شهر

کانال رنگین‌کمانان ایرانی

ما جمعی از فعالان حوزه ال‌جی‌بی‌تی (کوئیر)، فعالان مدنی و هنرمندان از طریق این بیانیه اعتراض خود را به نفرت‌پراکنی قطب‌ال‌دین صادقی، مدرس دانشگاه و کارگردان تئاتر، علیه جامعه ال‌جی‌بی‌تی در رابطه با جداسازی فضای محوطه تئاتر شهر اعلام می‌کنیم.

قطب‌ال‌دین صادقی در دفاع از جداسازی محوطه تئاتر شهر تهران، می‌گوید: «محیط پیرامون تئاتر شهر مکانی برای حضور ارادل و اوباش، خلاف‌کاران و دگرپاش‌ها شده است که قداست فرهنگی این مجموعه را رعایت نمی‌کنند. باید حریم مجموعه تئاتر شهر مشخص شود، اتفاقات شرم‌آوری در اطراف این بنا رخ می‌دهد.» (هنرآنلاین، ۱۸ اسفند ۱۳۹۹)

رویکرد قطب‌ال‌دین صادقی در این مورد ادامه‌دهنده سیاستی است که در عین جرم‌انگاری حیات همجنسگرایی، بیمار انگاشتن جامعه ال‌جی‌بی‌تی و پزشکی‌بانه کردن هویت ترنس همواره با سیاست حذف و به حاشیه راندن این گروه اجتماعی، این بخش از جامعه را دائماً با داغ ننگ مواجه می‌کند. تابو و داغ ننگ‌هایی که قرار است هر مساله و مشکلی را، از ویروس کرونا تا واکسن کرونا تا فضای ناامن شهری را به جامعه ال‌جی‌بی‌تی ربط دهد. داغ

این یعنی سیاست دیگری سازی، سیاست شبه‌فاشیستی که می‌گوید من مشکلی دارم و برای حل آن مشکل دنبال گناهکار می‌گردم. گناه‌کار چه کسی است؟ آنکه قدرت حاکم به او انگ ارادل و اوباش،

خلاف‌کار و ناامن‌کننده فضای جامعه را زده است، گناه‌کار از نظر آنها جامعه کوئیر است که در سایه جرم‌انگاری حیات، حضور اجتماعی و حتی بیان جنسی جنسیتی‌اش محدود و محکوم شده است. پتک را بر سر این بخش از جامعه کوئیدین و تقاضای طرد او «امن‌ترین سیاست ممکن» در فضای تبعیض و نابرابری است.

صدا می‌کنیم، از فقر و سو مصرف مواد مخدر در اطراف تئاتر شهر نالانید؟ چرا ساقی‌های کلان را نمی‌بینید؟ از دزدی نالانید، چرا سراغ اختلاس‌کنندگان اصلی و فاسدان دولتی نمی‌روید؟ از فضای ناامن و تجاوز و خشونت جنسی نالانید؟ چرا به خشونت جنسی، اجتماعی و سیاسی‌ای که زنان، کودکان و جامعه ال‌جی‌بی‌تی (همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان و افراد ترنس) دائماً در معرض آن هستند و از آن رنج می‌برند، بی‌تفاوتید؟ چطور می‌توانید حذف اجتماعی سیاسی جامعه ال‌جی‌بی‌تی و همین‌طور دیگر فرودستان اجتماعی اقتصادی را نادیده بگیرید و دائم برای تصاحب و امن کردن فضاهای شهری برای خود به دیوارها جنگ بیندازید؟

ما ضمن اعتراض به این رویکرد ضد انسانی و البته نه تازه، ضمن پاسخگو کردن این افراد یادآور می‌شویم که تاریخ نشان داده است که به حاشیه‌رانده‌شدگانی چون جامعه ال‌جی‌بی‌تی و فرودستان اجتماعی و اقتصادی این سیاست‌ها، همدستی‌ها و سکوت‌ها را از یاد نخواهند برد. مطالبه ما، جمعی از کنشگران جامعه ال‌جی‌بی‌تی (کوئیر)، فعالان مدنی و هنرمندان از کنشگران مدنی، هنرمندان و فعالان سیاسی و رسانه‌ای اینست که: «بیش از این در برابر این انگ و ننگ‌سازی اجتماعی حول جامعه ال‌جی‌بی‌تی (کوئیر) و دیگر گروه‌های تحت تبعیض و سرکوب سکوت نکنند» «ما» رها نخواهیم شد اگر از تکه‌های پیکر «ما» «دیگری» ساخته شود و در بند بماند.

۲۴ مارس ۲۰۲۱

امضا کنندگان:

- شاری امین (کنشگر حقوق ال‌جی‌بی‌تی، مدیر شش‌رنگ، (شبه‌لژیبن‌ها و ترنس‌نرها (ایرانی))
- مینا فانی (رقصنده، خمینیست و تمبلر اجتماعی، تهیه‌کننده «شش‌رنگ»)
- پاسمین فهدی (پژوهشگر و آرتیست)
- علیرضا شعاعیان (نقاش و کنشگر حوزه کوئیر)
- ملیلا زر (کنشگر حوزه ال‌جی‌بی‌تی، مدیر رسانه و روابط عمومی شش‌رنگ)
- بابک رادمهر (بازیگر، کارگردان تئاتر و سینما)
- پریپور ریزئی (دانشجوی طراحی گرافیک)
- رضا سلیمانی (پزشک متخصص تشخص و درمان)
- هنگامه هویرا (نویسنده و جامعه‌شناس)
- ساینا شایان
- ماترانا قاسم زاده
- یاشار صادق‌نژاد
- بوزار ناصر تیمورپور (هنرمند)
- صفه‌ای اینترنتی «برخی از هنرمندان»
- نویز ممزوی
- سارا امینی (بازیگر، خواننده و مدرس تئاتر)
- منیر تال
- کیما سیاح
- پریبران
- آریا یلتا (کنشگر حقوق ال‌جی‌بی‌تی)
- پن‌تی (+)
- ایلینا
- آریا شاکری
- شیرین یلتا (کنشگر حقوق افراد ترنس)
- ناز آفرین لاطمی (نویسنده، بازیگر)
- یاسمین سالی (نوازنده و خواننده)
- نیلوفر هومن (خمینیست و پژوهشگر)
- آسوره ایمر (عکاس و مستند ساز)
- هانا تاران (نویسنده و مدل)
- مهسا ممیزی (طراح گرافیک، یارگرافیکست)
- آینزما (عکاس و بازیگر تئاتر)
- کاوهر کرمانشاهی (فعال کوئیر)
- خمینیست و سفیلوی مرکز حقوق بشر لرستان - ایران)
- مونا شریفی (بازیگر)
- آمانج آزرمی (موزیسین)
- روزبه مصلح (موزیسین)
- شهرام موصلی (روزنامه‌نگار)
- غزل رسولی (مبصری و برنامه‌ساز)
- نکین شیرآقایی (فعال مدنی / سیاسی)
- سمانه سواری (کنشگر برابری

- جنسیتی)
- مهروی موسوی (شاعر و نویسنده)
- ساناز قاضی‌زاده (روزنامه‌نگار)
- آزین ساداتی - اشموتز (مهمه ساز و اقتصاددان هنر)
- ماه‌میر نریم (خواننده، فعال حقوق بشر)
- فاطمه اقتصادی (شاعر و نویسنده)
- کاوهر آهنگری (فعال سیاسی)
- نویز ممی (کنشگر مولکراسی فوآه)
- امیر ایروانی پور (کنشگر حقوق اقلیت‌های جنسی)
- پریسا موسوی
- شبنم شهری زاده (مدافع حقوق بشر)
- بهار حقیقت
- رضا صیاری فر
- کیما بانی (موزیسین و نمایشنامه‌نویس)
- ریانه طراوتی (عکاس)
- ارسلان افشار
- عاطفه آرائی (عکاس و هنرمند مصیبتی)
- شقایق نوروزی (بازیگر و فعال حقوق زنان)
- ملیلا امینا (هنرمند)
- شایا کلدوست (زن ترنس، کنشگر مسائل جنسی و جنسیتی)
- مهرونوش احمدی (کنشگر حوزه ال‌جی‌بی‌تی، مشاور روانشناس)
- تارا کریمی (بازیگر و نویسنده)
- رنا سرشاری (کوئیر)
- خمینیست)
- مهناز ممزوی (نویسنده، کارگردان و فعال زنان)
- طوبا پورزرد (فعال حقوق افراد ال‌جی‌بی‌تی و ناشنوا)
- علی لطیفی (مرد همجنس‌گرا)
- بازیگر (بازیگر و خواننده)
- فاطمه شایسته (پژوهشگر حوزه رسانه، جنس و جنسیت)
- نسیم مقرب (صعرا)
- (دانش آموخته تاریخ و فعال حقوق زنان)
- هما اسکندری (طراح و کارتون‌نویس)
- مسین فاطمی (عکاس)
- غیبه حکمت اندیش (عکاس و نویسنده)
- آریا دوستی (پژوهشگر حوزه جنسیت)
- نازی مهران (مدرگر اجتماعی)
- بیبا پوراب (روز مبرری)
- برنامه ساز و فعال سیاسی)
- امیر فرشار ابراهیمی (روزنامه‌نگار)
- مهرداد سید عسگری (کنشگر سیاسی)
- نیمایستانی (برنامه، فعال فرهنگی)
- سارنگ آریا (فیلمساز)



ادامه مدیای اجتماعی حزب

## پیام سال نو خامنه ای، اساسا بیان نگرانی ها و شکست های حکومت بود



خامنه ای، روز یکشنبه اول فروردین ۱۴۰۰ به مناسبت سال تازه در پیام تلویزیونی به مضحکه انتخابات ریاست جمهوری پرداخت و با اشاره به تلاشهای دشمن "برای ضربه زدن به نظام، خواستار اعمال کنترل بیشتر بر فضای مجازی شد. خامنه ای گفت که فضای مجازی خیلی جاها ول شده و به "تهدید برای حکومت" علیه نمایش انتخاباتی حکومت و عدم شرکت مردم تبدیل شده است.

علی خامنه ای در مورد برجام نیز بر سیاست های تاکنون شکست خورده خود تاکید کرد که اگر آمریکا تعهداتش، یعنی لغو تحریمها را انجام بدهد جمهوری اسلامی هم تعهداتش را انجام خواهد داد. اقتصاد ورشکسته و بدون راه حل را نیز خوب توصیف کرد!

هر چند خامنه ای زور زیادی زد که قیافه اعتماد به نفس از خود نشان بدهد اما نگرانی از فضای مجازی، نگرانی از دست دادن موقعیت در منطقه، نگرانی از عدم شرکت مردم در مضحکه انتخابات و در نهایت تاکید روی ضرورت اتحاد باند های حکومت در برابر "دشمنان"، استیصال و بی افقی حکومت و رهبرش را به عیان نشان میداد.

۲۲ مارس ۲۰۲۱

## مردم لبنان با شعار «ایران برو بیرون» خواهان بیرون انداختن عوامل جمهوری اسلامی از این کشور هستند



مردم لبنان نفرت و اعتراض خود را علیه دار و دسته های اسلامی و مزب الله که از طرف جمهوری اسلامی حمایت میشود بیان کردند.

مردم لبنان روز جمعه ۱۹ مارس (۲۹ اسفند) با برپایی یک راهپیمایی در مرکز بیروت با سردادن شعار «ایران برو بیرون، بیروت آزاد است» نفرت و اعتراض خود را علیه دار و دسته های اسلامی و حزب الله که از طرف جمهوری اسلامی حمایت میشود بیان کردند. مردم لبنان اعتراضات دامنه داری را از مدتی قبل علیه حکومت قومی - مذهبی این کشور که آنرا عامل فقر و محرومیت خود میدانند شروع کرده اند. یکی از شعارهای محوری مردم لبنان علیه حزب الله و دار و دسته های مرتجع و تروریست حسن نصرالله است. این اعتراضات که از سال قبل شروع شده بار دیگر در هفته های اخیر از سر گرفته شده است. برگزاری تجمعات و تظاهرات در شهرهای بیروت، صور، طرابلس و صیدا در مقابل مراکز دولتی و حکومتی؛ هر روز ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ مارس ۲۰۲۱

## مردم تونس علیه فقر و بیکاری و علیه مافیای حاکم دست به تظاهرات زدند



یک نقطه قوت مبارزات مردم تونس نقش زنانی است که در خط مقدم مبارزه نقش برجسته ای دارند.

داشتند، حمله کرده و تعدادی رازخمی کرده و بیش از ۷۰۰ نفر را دستگیر کرده است.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۱ مارس ۲۰۲۱

رویترز خبر از ادامه اعتراضات در شهر تونس پایتخت این کشور و چندین شهر دیگر کشور علیه گرانیو بیکاری داده اند. بر اساس این گزارشات پلیس به تظاهر کنندگان که قصد حمله به مراکز دولتی را

ای دارند. معترضان می گویند که دولت و پارلمان به وعده ها و خواسته های انقلاب تونس عمل کرده و مافیای سیاسی همه امکانات و قدرت را بین خود تقسیم کرده است. رسانه های غربی، از جمله خبرگزاری آلمان

نارضایتی گسترده مردم تونس، فقر و گرانی، بی حقوقی و محرومیت اکثریت مردم به تظاهرات های گسترده در این کشور منجر شده و بحران سیاسی را تشدید کرده است. مردم میگویند برای رفاه و عدالت انقلاب کردیم و این مافیای حاکم را نمیپذیریم. پارلمان باید منحل شود و جریان اسلامی اخوان المسلمین هم از قدرت بیرون انداخته شود. انقلاب مردم برای عدالت و آزادی و رفاه و یک زندگی انسانی بود اما مردم تونس از یک رهبری روشن و رادیکال محروم بودند و قدرت سیاسی توسط گروه های سیاسی طبقه حاکم و از جمله اخوان المسلمین قبضه شد.

کارگران و مردم محروم تونس در جریان انقلاب ده سال قبل و اعتراضات و اعتصابات پس از آن دارند تجربه کسب میکنند و آگاهی سیاسی بیشتری پیدا میکنند. اعتراضات مردم همچنین به بحران شدیدی در پارلمان و حاکمیت منجر شده است.

یک نقطه قوت مبارزات مردم تونس نقش زنانی است که در خط مقدم مبارزه نقش برجسته

## اطلاعیه های حزب

## تبعید زندانیان سیاسی باید با اعتراض وسیع مردم روبرو شود

در هفته ها و روزهای اخیر و در آستانه آغاز سال نو، مسئولین زندان و دستگاه قضایی دست به جابجایی و انتقال برخی از زندانیان اوین، که سبب اعتراض نیز هستند، به زندان های دیگر زده اند. آتنا دائمی از زندان اوین به زندان لاگان شهر رشت، سپیده قلیان به زندان بوشهر، گلرخ ایرایی به زندان آمل، مریم اکبری منفرد به زندان سمنان، اسماعیل عبدی به زندان قزل حصار کرج و در روز ۳۰ اسفند کسری نوری به زندان عادل آباد شیراز منتقل شده اند. جمهوری اسلامی در روزهای نزدیک به نوروز که خانواده ها خود را برای ملاقات عزیزانشان آماده میکردند دست به این اقدام ضد انسانی زد تا آنها را حتی از امکان ملاقات با عزیزان خود محروم کند. چند ماه قبل نیز در آذرماه سپیده فرهان و مژگان کشاورز از زندان اوین به زندان قرچک و در مهرماه گذشته یاسمن آریایی و منیره عربشاهی به زندان کچویی، سمانه نوروز مرادی به زندان لاگان رشت، نسرین ستوده و مریم ابراهیم وند به زندان قرچک ورامین و سکینه پروانه به زندان قوچان تبعید شدند. این اقدامات حکومت علاوه بر اذیت و آزار زندانیان، بخشی از شکنجه روحی خانواده های زندانیان نیز هست.

جابجایی و تبعید زندانیان سیاسی به زندان هایی با شرایط بدتر و دور از محل زندگی خانواده های آنها یک روش شناخته شده برای اذیت و آزار زندانیان، محدود کردن آنها و تلاش برای به سکوت کشاندن آنها است. اما هیچ درجه از سرکوب زندانیان و فشار به آنها مانع مقاومت و اعتراض آنها نخواهد شد. در اعتراض به این جابجایی ها آتنا دائمی پس از تبعید اعلام کرد "فریاد من بر سر شماها همچنان بلند است و هرگز از مواضعم کناره گیری نخواهم

کرد". همچنین حداقل ۳۴ نفر از زندانیان سیاسی زن و مرد در چند زندان دست به اعتصاب غذا زده اند. در بیرون زندان نیز شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگی، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و کانون صنفی فرهنگیان کیلان و نیز عفو بین المللی فشار بر روی اسماعیل عبدی و زندانیان را محکوم کرده و خواستار آزادی اسماعیل عبدی شده اند.

این جابجایی ها بیش از هر چیز نشانه استیصال حکومت برای به شکست کشاندن مقاومت زندانیان سیاسی است. زندانیان سیاسی فعالین و نمایندگان جنبش های قدرتمند اعتراضی در جامعه اند، جنبش هایی که در حال رشد و گسترش است و جمهوری اسلامی به عبث تصور میکند با اذیت و آزار زندانیان و دستگیری های گسترده و محکومیت های سنگینی که در ماههای اخیر شروع کرده است، میتواند جلو گسترش جنبش های اعتراضی را بگیرد.

حزب کمونیست کارگری رفتار ضد انسانی جمهوری اسلامی با زندانیان سیاسی و تبعید آنها را شدیداً محکوم میکند، تلاش میکند هرچه بیشتر صدای آنها باشد و از همه مردم آزاده و معترض میخواهد که همراه با زندانیان سیاسی و خانواده های آنها مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و پایان دادن به اذیت و آزار و تبعید آنها را گسترش دهند. حزب از کلیه نهادهای بین المللی میخواهد که جمهوری اسلامی را برای پایان دادن به رفتارهای وحشیانه با زندانیان سیاسی و برای آزادی آنها تحت فشار قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱ فروردین ۱۴۰۰، ۲۱ مارس ۲۰۲۱

## خوزستان کانون داغ اعتراضات کارگری

اعتراضات کارگری در سطح جامعه گسترده است. خوزستان یک کانون داغ این اعتراضات است. در زیر لیستی از اعتراضات کارگران در این استان در یکماه اخیر را میخوانید:

طی روزهای ۳، ۱۰، ۱۷، ۲۴ و ۲۸ اسفند، در پاسخ به فراخوان سراسری از قبل اعلام شده بازنشستگان تأمین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان در شهرهای مختلفی در خوزستان از جمله در شهرهای شوش، شوشتر، اهواز، دزفول و خرم آباد تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به زندگی زیر خط فقر، به تبعیضات و نابرابریها، و به دزدی ها و اختلاس هاست. بازنشستگان در اعتراضاتشان بر خواستهایی چون اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای ۱۲ میلیون، درمان رایگان، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و داشتن حق تشکل و تجمع و اعتراض، پایان دادن به اختلاس ها و دزدیها و بازگشت پولهای دزدی شده با صندوق بازنشستگی تاکید کرده اند اما علیرغم اعتراضات گسترده و پی در پی هنوز پاسخی نگرفته اند. بازنشستگان تأمین اجتماعی از آذر ماه تا این مقطع بطور هفتگی تجمع داشته و این تجمعات در بیش از ۲۴ شهر برپا شده است.

در هفته های اخیر همزمان با بلند شدن صدای اعتراض کارگران در مراکز کاری نسبت به تعیین نرخ دستمزد نازل سال ۱۴۰۰، اعتراض به عدم تمدید قراردادهای موقت کاری نیز به یک موضوع وسیع اعتراضی در میان کارگران تبدیل شده است. یک سیاست سرمایه داران مفتخور برای شانه خالی کردن از پرداخت تعهدات خود به کارگرانی که قبلاً شاغل بوده و سابقه کاری دارند و برای تحمیل دستمزدهای کمتر به کارگران جدید در پایان سال، خاتمه دادن قراردادهای موقت کاری و استخدام نیروی جدید است. در همین راستا در روزهای منتهی به سال ۱۴۰۰ مدیریت کارخانه سیمان کارون به قرارداد ده نفر از کارگران روزمزد شاغل در

قسمت بارگیری خود خاتمه داد و گفته میشود بیکارسازی های بیشتری در راه است. همچنین در شرکت صنایع فولاد تا این لحظه ۸۴ نفر از کارگران شاغل در بخش های مختلف در آخرین روز سال ۹۹ از کار اخراج شدند. بنا بر خبرهای دریافتی بیش از ۵۰ نفر از کارگران اخراج شده ساکنین مناطق محروم و حاشیه نشین اهواز، کوه عبدالله و قلعه چنغان هستند. گفتنی است که این کارگران بدون پرداخت موقوفات مزدی شان از کار اخراج شده اند و حتی شمار زیادی از آنان فاقد هرگونه بیمه ای می باشند. کارگران صنایع فولاد خوزستان می گویند کارفرمای شرکت در نظر دارد در روزهای آینده تعداد بیشتری از کارگران را از کار اخراج نماید. همچنین در نیشکر هفت تپه تعدادی از کارگران موقت اخراج و طول قراردادهای موقت به سه ماه کاهش یافته است. پاسخ این تعرضات وحشیانه اعتراض سراسری کارگران است.

اخراج ها باید فوراً متوقف شود و کارگران اخراجی به سر کار خود بازگردند و قراردادهای موقت فوراً به دائمی تبدیل شود. - روز دوشنبه ۲۵ اسفند شماری از کارکنان آتش نشانی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عیدی مقابل ساختمان شهرداری این شهرستان دست به تجمع زدند.

صبح روز ۲۶ اسفند پاکبانان شهرداری بهبهان به دلیل عدم پرداخت مطالبات خود در مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند.

روز ۲۴ اسفند کارکنان آب و فاضلاب شهرستان فلاخیه (شادگان) به دلیل عدم پرداخت حقوق و مزایای موقه، حق بیمه و ساعات اضافه کاری همزمان با تجمع سایر کارکنان در شهرهای اهواز و دشت آزادگان (دشت میسان) در مقابل فرمانداری شادگان دست به تجمع زدند.

روز سه شنبه ۱۲ اسفند کارگران شهرداری کوه سیدنعمیم از توابع دشت آزادگان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۷ ماه اخیر خود تجمع کردند. در همین روز کارگران

کمیته سازمانده- واحد خوزستان

۵ فروردین ۱۴۰۰، ۲۵ مارس ۲۰۲۱





## کمیته سازمانده - واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری ایران Worker-communist Party of Iran



### « کرونا نفس خوزستان را به شماره انداخته است »

رئیس بیمارستان ایذه هم وضعیت کرونا در این مرکز درمانی را بحرانی توصیف کرده و می گوید تمام ظرفیت بخش کرونایی این بیمارستان تکمیل شده است. به گفته او کادر درمان بیمارستان ایذه دوران بسیار سختی را سپری می کنند. این شهرستان با وجود ۳۳۰ هزار نفر جمعیت و علیرغم چهار برابر شدن آمار مراجعه کنندگان و مبتلایان تنها ۴۶ تخت ویژه بیماران کرونایی دارد و مازاد بیماران در بخش اورژانس بستری هستند.

مدیر شبکه بهداشت و درمان هندیجان نیز وضعیت بیماری کرونا در این شهر را رو به وخامت توصیف کرده و می گوید بدون اغراق هر لحظه احتمال رخداد یک فاجعه کرونایی در هندیجان وجود دارد. در شهر ماهشهر بیش از ۶۵ درصد تست های انجام شده مثبت گزارش شده اند. اکنون در خوزستان شهرهای بهبهان، ایذه، اهواز، کارون، رامهرمز، آبادان، شوشتر، ماهشهر و دزفول وضعیتشان خطرناک اعلام شده است.

این گزارش و آمارها نشان از عمق فاجعه و ناتوانی و بی مسئولیتی کامل جمهوری اسلامی در مقابله با بحران کرونا دارد. حکومت در قبال جان مردم باید پاسخگو باشد و به سرعت تمهیدات لازم برای در اختیار گرفتن نیروهای تازه نفس و متخصص و برطرف کردن کمبود تجهیزات بیمارستان ها را بکار بندد. دستورالعمل ها و پروتکل های معمول در همه دنیا همچون قرنطینه کردن شهرها و تعطیلی مراکز کاری و ادارات و مشاغل دیگر باید در خوزستان به اجرا درآیند. حکومت موظف است تا در صورت تعطیل اعلام نمودن ادارات و کارخانجات نسبت به تامین مالی افراد و پرداخت بیمه بیکاری به کارگران اقدام نماید. تامین داروهای مورد نیاز بیماران و همچنین تامین واکسن معتبر و شروع سریع واکسیناسیون عمومی و رایگان باید هر چه زودتر صورت پذیرد.

گزارش دریافتی کمیته سازمانده - واحد خوزستان ۵ فروردین ۱۴۰۰، ۲۵ مارس ۲۰۲۱

با این همه این بیمار گفته است که کادر درمان و پرستاران بی وقفه با کمترین امکانات در حال خدمات رسانی به بیماران بودند و با وجود اینکه به شدت خسته شده بودند، سعی می کردند روحیه خود را حفظ کرده و به بیماران امید دهند. اگر از جان گذشتگی آن ها نبود تلفات انسانی فاجعه بارت تر بود. بیمار دیگری می گوید که بخشی از ساختمان بیمارستان قدیم سوانح و سوختگی اهواز را برای بستری بیماران کرونایی در نظر گرفته اند که فقط ۱۰۰ تخت بدون داشتن سایر امکانات لازم تجهیز شده است.

بنا بر گزارشات مناطق حاشیه نشین کوی علوی، کیان، شیخ بهاء، خشایار، کمپلوی جنوبی و حتی مناطق روستایی مانند عین ۲ و تصفیه شکر جزو آلوده ترین مناطق نام برده شده اند. رئیس دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور می گوید حدود ۲۵ درصد فوتی های کرونا در خوزستان کمتر از ۲۴ ساعت در بیمارستانها بستری اند و برخی از مبتلایان در یک یا دو ساعت اول بستری فوت می کنند و یا فوت شده به بیمارستان ها می رسند.

شده و فشار بر روی پزشکان و پرستاران شاغل در بیمارستان های کرونایی را دو چندان کرده است. هم اکنون ظرفیت همه بیمارستان ها در اهواز تکمیل است و جای خالی برای بیماران و کسانی که تازه مبتلا شده اند وجود ندارد. به گفته کادر درمان، بیمارستان های اهواز در وضعیت اسفناکی قرار دارند و دیگر نه تخت خالی و نه امکانات کافی وجود دارند و روند مراجعه به مراکز درمانی بسیار نگران کننده شده است.

یکی از بیمارانی که به تازگی از بیمارستان رازی اهواز ترخیص شده می گوید: «شب اول را در راهروی بیمارستان و بدون تخت و حتی برانکارد روی زمین سپری کردم، فردای آن روز مرا به بخش اورژانس منتقل کردند که هیچگونه امکاناتی برای بیماران کرونایی نداشت. او در ادامه گفت بخاطر مشکل شدید تنفسی نیاز به اکسیژن داشتم اما برای حدود ۲۰ تختی که در اورژانس بود تنها ۳ کپسول اکسیژن وجود داشت که با توجه به وخامت حال بیماران به نوبت برای ما بکار گرفته می شد».

و موثر، تجهیز بیمارستان ها و تکمیل کادر درمان؛ در مصاحبه های ضد و نقیض شان اوج استیصال و آشفتگی و درماندگی خود در کنترل بحران را به نمایش گذاشته اند.

بطور مثال روز دوم فروردین رئیس مرکز بهداشت خوزستان اعلام کرد که روند ابتلا به کرونا در این استان کاهش یافته است. اما فردای آن روز رئیس دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز از افزایش تعداد مبتلایان در شهرهای قرمز کرونایی خبر داد. رئیس بیمارستان رازی اهواز نیز در برنامه تلویزیونی از مردم خواست که با مشاهده کوچکترین علائمی سریعاً به مراکز درمانی و بیمارستان ها مراجعه کنند. امارتیس بهداشت اهواز به مردم می گوید تا زمانی که علائم تنگی نفس و سرفه ندرید در خانه بمانید.

در نتیجه این سوء مدیریت های و فقدان وجود پروتکل های مشخص از سوی و کمبود شدید امکانات لازم و ناکافی بودن تعداد کادر درمان از سوی دیگر؛ خسارت های جبران ناپذیری متوجه مردم کرده

در حالی که در بسیاری از کشورها واکسیناسیون مردم در مقابل کرونا آغاز گشته و تا حدودی روند پیشروی این بیماری مهار و کنترل شده است در ایران پاندمی کرونا با شدت رشد کرده و دارد بیش از پیش قربانی میگیرد. سیاستهای ضد مردمی و به بازی گرفتن جان انسانها از سوی حکومت، آشفتگی در تصمیم گیری ها و از همه مهمتر دخالت نهادهای مذهبی و غیر تخصصی باعث شده تا به طور روزافزون شاهد گسترش بیماری کرونا و بالارفتن آمار مبتلایان و مرگ و میر های ناشی از آن باشیم.

در این میان خوزستان اما شرایط بدتر و نگران کننده تری از سایر مناطق دارد به گونه ای که در یک سال گذشته بارها در وضعیت قرمز و پیک کرونایی قرار گرفته و آمار مراجعه بیماران کرونایی به بیمارستان های اکثر شهرهای استان همچنان روندی افزایشی دارد.

از جمله در همین چند روز اخیر، مسئولان بهداشت و درمان استان به جای برنامه ریزی برای بکار بستن اقدامات علمی

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۳

## پیوستن شماری از زندانیان رجایی شهر به اعتراض علیه فشار بر زندانیان

## بیانیه برای آزادی زندانیان سیاسی به آزار زندانیان سیاسی پایان دهید.

### ضمیمه: بیانیه جمعی

روز اول فروردین ۱۸ نفر از زندانیان سیاسی در رجایی شهر طی بیانیه ای صدای اعتراض خود را به تشدید آزار و اذیت زندانیان سیاسی در زندانها بلند کرده و به حرکت اعتراضی ای که در این رابطه از سوی شماری از زندانیان سیاسی در زندانهای مختلف از جمله در اوین، زندان بزرگ تهران و عادل آباد به راه افتاده پیوستند. جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که هم اکنون با ۶ سال حبس در زندان رجایی شهر بسر میبرد یکی از این زندانیان است. اسامی باقی امضا کنندگان این بیانیه عبارتست از: مطلب احمدیان، محمد امیرخیزی، افشین بایمانی، آرشام رضایی، آرش صادقی، حسن صادقی، سهیل عربی، ابوالقاسم فولادوند، نصرالله لشنی، بهنام موسی وند، رضا محمد حسینی، سعید ماسوری، علی موسی نژاد، فرکوش، فرهاد میثمی، محمد علی منصوری، مهدی مسکین نواز و آرش نصری. متن بیانیه را در زیر میخوانید :

۳۴ نفر از زندانیان سیاسی زندانهای اوین، فشافویه، عادل آباد، و بند زنان اوین با اعتصاب غذای ۳ روزه در روزهای نخستین سال ۱۴۰۰ با مردم سرزمین رنج کشیده شان اعلام همبستگی، همراهی، و همدلی نموده اند. این اعتراض حرکتی مدنی و پیگیرانه برای تحقق حقوق اساسی مردم این مرز و بوم است و نشان از پایداری رهپویان راه آزادی و عدالت دارد و قابل تقدیر و حمایت عموم مردم ایران می باشد. آنچه این روزها شاهدیم تبعیادهای غیرقانونی زندانیان سیاسی، مدنی، و عقیدتی است که موجی از نگرانی در میان خانواده ها و فعالان حقوق بشر و جامعه ایران را به همراه داشته است. اعتصاب دو تن از زندانیان در تاریخ ۲۸ اسفند و پیوستن ۴ زندانی دیگر به آن ها در اعتراض به تبعید همبندی هایشان، حرکت اعتراضی دیگری است که تاکنون ادامه دارد. تبعیادهای انجام شده به طور آشکار نقض قوانین و مقررات جاری، از جمله آیین دادرسی کیفری است که موجب اذیت و آزار زندانیان و گسترش مجازات به سطح خانواده های بی پناه شان شده است. از همین رو ما امضاکنندگان این نامه با تاکید بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی و ضمن اعتراض به رویه غیرقانونی و غیرانسانی تبعید و اذیت و آزار زندانیان و خانواده هایشان، نگرانی خود را از تداوم این روند اعلام نموده و خواهان توقف آن هستیم.

تشدید فشار و اذیت و آزار در درون زندانها و تبعید کردنها باموجی از اعتراض در داخل زندان و بیرون زندان روبرو شده و با آغاز سال ۱۴۰۰ جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی قدرتمند تر از هر وقت وارد عرصه نبرد شده است. یک گام مهم این جنبش انتشار بیانیه ای جمعی تحت عنوان "به آزار زندانیان سیاسی پایان دهید" است که از سوی شمار بسیاری از چهره های سرشناس و شناخته شده کارگری، معلمان، بازنشستگان، مادران دادخواه و اکتیویست های مختلف سیاسی در سطح جامعه امضا شده است. تا کنون بیش از ۵۰۰ نفر این بیانیه را امضا کرده اند و امضاء کنندگان آن با تاکید بر آزادی تمامی زندانیان سیاسی صدای اعتراض خود را به رویه غیرانسانی تبعید و اذیت و آزار زندانیان و خانواده هایشان اعلام کرده و با ابراز نگرانی خود از تداوم این وضعیت خواهان توقف آن شده اند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی با تمام قوا از این کارزار مهم حمایت کرده و از همگان می خواهد که با گذاشتن امضای خود در زیر این بیانیه به جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی بیوندند. متن بیانیه جمعی "به آزار زندانیان سیاسی پایان دهید" ضمیمه است.

با اعتراضی سراسری در زندانها را باز میکنیم

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

5 فروردین ۱۴۰۰، 25 مارس ۲۰۲۱

درد رقم میخورد. همانطور که قبلا گزارش کردیم در اعتراض به سرکوبگری های حکومت و تشدید آن صدای اعتراض زندانیان سیاسی از زندانهای اوین، تهران بزرگ و عادل آباد بلند شده و ۳۴ نفر از آنان وارد اعتصاب غذا شده اند. و این اعتراضات ادامه دارد. این اعتراضات در واکنش به نقل و انتقال زندانیان به بندهای مختلف و قطع تماس و ارتباطات آنها بعنوان بخشی از فشار سازمان یافته و شکنجه روحی و جسمی زندانیان سر بلند کرد. از جمله زندانیان سیاسی روز ۲۷ اسفند در بیانیه اعتراضی خود به "جایجایی سرکوبگرانه"ی آتنا دائمی، سپیده قلیان، مریم اکبری منفرد و اسماعیل عبدی اشاره کرده و صدای اعتراضشان را به تشدید سرکوبگری ها در زندان بلند کرد.

خواست فوری زندانیان سیاسی پایان دادن به این تعرضات و رعایت حقوق انسانی ها، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و پرونده سازیها و پایان دادن به کل این سرکوبگریهاست. از خواستها و مبارزات زندانیان سیاسی وسیعا حمایت کنیم. با قدرت اعتراضات سراسری مقابل این سرکوبگری ها بایستیم. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۳ فروردین ۱۴۰۰، ۲۳ مارس ۲۰۲۱

اعمال فشار بر زندانیان و آزار و اذیت خانواده هایشان است که در ماه های اخیر شدیدتر و گسترده تر شده است.

نهادهای امنیتی و قضات وابسته به این نهادها آشکارا دریافته اند که زندان نه تنها مانع و بازدارنده مبارزات حق طلبانه زندانیان سیاسی نشده، که خود به محل و مجالی برای تداوم مبارزات و مقاومت آنان تبدیل شده و از پشت دیوارهای بلندش، هر بار صدای حق خواهی زندانیان و افتادن تشت رسوایی حاکمیت استبداد، بلندتر و رساتر به گوش ایرانیان و جهانیان می رسد. آنان به خیال باطل گمان می برند با تشدید آزار سیستماتیک زندانیان و خانواده های آنان و تضییع هر چه خشن تر حقوق شان می توانند آنها را به سکوت و انفعال وادارند. بر این اساس است که تبعید زندانیان سیاسی به زندان های دور از محل سکونت و زندان هایی با جرایمی چون مواد مخدر و قتل و سرقت و... را توأم با آزار و اذیت در حین انتقال در دستور قرار داده اند.

بدیهی است چنین اقداماتی بیش از آن که حتی ذره ای موجب عقب نشینی ما زندانیان سیاسی در دفاع از حقوق انسانی مان بشود، بیانگر ترس و وحشت حکومت از فریاد عدالت خواهی ما و نتیجه بن بست لاعلاج سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است که خود در آن گرفتار آمده اند. به طور قطع همان طور که تاکنون بکارگیری سیاست های سرکوبگرانه توسط حکومت راه به جایی نبرده است این بار نیز این سیاستها راه به جایی نخواهد برد و پیشاپیش محکوم به شکست است."

سال ۱۴۰۰ با اعتراضات گسترده زندانیان سیاسی

۱۸ نفر از زندانیان سیاسی در رجایی شهر طی بیانیه ای صدای اعتراض خود را به تشدید آزار و اذیت زندانیان سیاسی در زندانها بلند کرده و به حرکت اعتراضی ای که در این رابطه از سوی شماری از زندانیان سیاسی در زندانهای مختلف از جمله در اوین، زندان بزرگ تهران و عادل آباد به راه افتاده پیوستند. جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که هم اکنون با ۶ سال حبس در زندان رجایی شهر بسر میبرد یکی از این زندانیان است. اسامی باقی امضا کنندگان این بیانیه عبارتست از: مطلب احمدیان، محمد امیرخیزی، افشین بایمانی، آرشام رضایی، آرش صادقی، حسن صادقی، سهیل عربی، ابوالقاسم فولادوند، نصرالله لشنی، بهنام موسی وند، رضا محمد حسینی، سعید ماسوری، علی موسی نژاد، فرکوش، فرهاد میثمی، محمد علی منصوری، مهدی مسکین نواز و آرش نصری. متن بیانیه را در زیر میخوانید :

"طی ماه های گذشته به رغم ادعاهای عالیترین مقامات قضایی جمهوری اسلامی پیرامون رعایت حقوق زندانیان سیاسی چیزی که عملاً و هر روزه در حال رخ دادن است نه ذره ای بهبود شرایط زندانیان، بلکه تشدید سرکوب و ضد انسانی تر کردن بیش از پیش شرایط آنان بوده است تا با بالا بردن هزینه زندان، مردم به جان آمده ایران و کنشگران سیاسی در سطح جامعه را مرعوب و مقهور سیاستهای سرکوبگرانه سازند. انتقال به سلول انفرادی، توهین و تحقیر، ضرب و شتم، تشکیل پرونده های جدید و صدور احکام تازه و تبعید به زندانهای دور از محل سکونت و... از جمله روشهای

تماس با کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر

Shahla.daneshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۳

## آغاز سال ۱۴۰۰ و اعتراضات گسترده زندانیان سیاسی



سال ۱۴۰۰ با اعتراضات گسترده زندانیان سیاسی دارد رقم میخورد. در اعتراض به سرکوبگری های حکومت و تشدید آن صدای اعتراض زندانیان سیاسی از زندانهای اوین، تهران بزرگ و عادلآباد بلند شده و ۳۴ نفر از آنان وارد اعتصاب غذا شده اند. جرقه این اعتراضات در اعتراض به نقل و انتقال زندانیان به بندهای مختلف قطع تماس و ارتباطات آنها بعنوان بخشی از فشار سازمانیافته و شکنجه روحی و جسمی زندانیان زده شد.

بنابر خبرهای روزها و هفته های گذشته، حکومت اسلامی اقدام به تبعید زندانیان سیاسی به شهرهای مختلف کرده است. با این اقدام غیر انسانی حکومت خانواده های زندانیان سیاسی نیز همراه با زندانی زیر فشار شکنجه روحی روانی قرار گرفته و بویژه در شرایط کرونا برای ملاقات های هفتگی و سفر به شهرهای مختلف با مشکل جدی روبرو میشوند. این موضوع به اعتراض بسیاری در میان خانواده های زندانیان سیاسی و زندانیان سیاسی دامن زده است.

از جمله زندانیان سیاسی روز ۲۷ اسفند در بیانیه اعتراضی خود به «جابجایی سرکوبگرانه» ی آتنا دائمی، سپیده قلیان، مریم اکبری منفرد و اسماعیل عبدی اشاره نموده و اعلام کردند که تا زمان تحقق خواسته شان که پایان یافتن تنبیه و تبعید و مجازات زندانیان معترض تحت عنوان انتقال است هر روز یک نفر به این اعتصاب غذا خواهد پیوست.

در بخشی از بیانیه اعلام اعتصاب غذای زندانیان چنین آمده است: گرچه انتقال زندانی از بندی به بند دیگر یا از زندانی به زندان دیگر مرسوم است، هرگاه که انتقال با انگیزه و به منظور تنبیه و آزار زندانی انجام گیرد، معنایی جز نقض آشکار و مستقیم حقوق شهروندی و انسانی فرد زندانی ندارد. «انتقال» زندانیان با این سبک و منظور شگرد و شیوه رایج در زندان های ایران است و به ویژه با شدت بیشتر درباره ی زندانیان

های صنفی فرهنگیان، کانون صنفی معلمان ایران (تهران) و دیگر شهرها همچون کانون صنفی فرهنگیان گیلان سازمان عفو بین المللی طی بیانیه ای فشار بر روی اسماعیل عبدی و زندانیان را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری وی شده اند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی فشار بر روی زندانیان سیاسی و تبعید آنان به زندانهای دیگر را بعنوان شکلی از شکنجه و آزار آنان خانواده هایشان با شدت محکوم میکند. همصدا با زندانیان سیاسی و همراه با خانواده های زندانیان سیاسی صدای اعتراض خود را علیه تشدید سرکوبگری های حکومت و احضار کردنها و پرونده سازیها و فشار بر روی زندانیان سیاسی و تبعید آنان به زندانهای مختلف بلند کنیم. با اعتراضی سراسری در زندانها را بگشاییم و سال ۱۴۰۰ را به سال باز کردن در زندانها و جمع کردن بساط سرکوب و جنایت حکومت تبدیل کنیم.

کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱ فروردین ۱۴۰۰، ۲۱ مارس ۲۰۲۱

«سپیده قلیان»، که به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه با ۵ سال حکم در زندان است، به رغم درخواستش برای انتقال به اهواز که نزدیک به محل زندگی خانواده اوست، شبانه به زندان بوشهر تبعید شد. سپیده قلیان در اینستاگرام خود از اینکه او را با غل و زنجیر انتقال دادند چنین مینویسد: «...سپس دست و پایم را غل و زنجیر کردند و به میان مردم در میدان انقلاب بردند، و چرخاندند. مردم با نگاههای حاج و واج فکر می کردند که این غل و زنجیری کیست؟ می خواستم داد بزنم، من نه امید اسد بیگی هستم و نه کسی که دو بار به پهلویامی اوکراینی شلیک کرد.....»

اسماعیل عبدی چهره محبوب در میان معلمان و دبیر کل سابق کانون صنفی معلمان نیز دو هفته است که بوسیله ی نیروهای امنیتی بین زندانهای گوناگون و کلانتری های کرج و تهران با دستبند و پا بند در رفت و آمد است. او در روز شنبه یکم فروردین ۹۹ ساعت ۱۵ مستولین زندان مرکزی کرج از اسماعیل عبدی خواستند که همه وسایل خود را جمع آوری کرده و آماده ی انتقال شود. اما به او اطلاع داده نشد که به کجا منتقل خواهد شد. این موضوع با موجی از اعتراض در میان معلمان و در درون زندان تبدیل شده است. از جمله شورای هماهنگی تشکل

پورفاضل و کسری نوری که روز جمعه با ضرب و شتم از زندان اوین خارج و به عادلآباد شیراز تبعید شد، به این اعتراض پیوستند و دامنه این اعتراض گسترش می یابد.

در بیرون از زندان هم این سرکوبگری ها به موضوع داغ اعتراض در میان تشکلهای کارگری و بخش های مختلف مردم و خانواده های زندانیان سیاسی تبدیل شده است. باید وسیعاً به این اعتراضات پیوست.

مواردی از اخبار مربوط به تبعید زندانیان سیاسی به زندانهای دیگر:

روز ۲۷ اسفند آتنا دائمی فعال دفاع از حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام در اوین پس از ۵ سال حبس بدون مرخصی در تهران، به صورت ناگهانی و بدون هر گونه اطلاع قبلی در حالی که حتی امکان جمع آوری وسایلی را هم نداشت، با دستبند و پا بند به زندان لاکانرشت تبعید شد. پدر آتنا با انتشار این خبر از صلابت آتنا سخن گفت و اعلام کرد که حتی قبل از انتقال آتنا آنها را خبر نکردند. آتنا از زندان لاکانرشت پس از تبعید پیام داده و میگوید: «فریاد من بر سر شماها همچنان بلند است و هرگز از مواضع کناره گیری نخواهم کرد».

و در آخر فرا رسیدن سال نو را به همگان شادباش گفته اند. سعید اقبالی، سینا بهشتی، پیمان پورداد، حسین جندقیان، معین حاجی زاده، کیوان صمیمی (از زندان اوین)، محمد شریفی مقدم و کیانوش عباس زاده (از زندان فشافویه)، محمد داوری و سجاد زارع (از زندان عادلآباد) و کسری نوری از جمله زندانیان سیاسی امضاکننده این نامه هستند.

روز اول فروردین نیز ۶ نفر از زندانیان زن به اسامی عالیه مطلب زاده، حدیث صبوری، رضوانه احمدخان بیگی، زینب همرنگ، شکیلا منفرد، و گیتی



## کانال جدید بر ماهواره دوم!

### یاری کنید پوشش تلویزیون آزادی، برابری و رفاه را گسترش دهیم!

کانال جدید این تریبون تک تک شما آزادیخواهان، این صدای اعتراض و همبستگی کارگران، زنان و جوانان در ایران، تلویزیونی که ۱۷ سال است ۲۴ ساعته برای رهایی و آزادی و انسانیت و برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی برنامه پخش میکند، برای هرچه گسترده تر کردن پوشش خود علاوه بر ماهواره "یاه ست"، از ماهواره "یوتل ست" نیز شروع به پخش برنامه کرده است. رفتن بر ماهواره "یوتل ست" و بودن همزمان بر دو ماهواره امکان میدهد که بخش های بسیار بیشتری از مردم ایران و منطقه و همچنین ایرانیان ساکن اروپا به کانال جدید دسترسی داشته باشند. انجام این مهم، همچون تامین هزینه های سنگین یک تلویزیون ۲۴ ساعته در تمام این ۱۷ سال، بدون کمک و یاری شما مردم شریف و آزادیخواه ممکن نبوده و نخواهد بود. لذا دست یاری بسوی شما دراز میکنیم.

بدینوسیله کمپین **جمع آوری ۵۰ هزار دلار** جهت تامین هزینه های انتقال کانال جدید به ماهواره دوم (یوتل ست) را اعلام میکنیم. هدف ما این است که این مبلغ را در عرض یک ماه جمع کنیم. از همه شما مردم آزادیخواه که خواهان رهایی از شر جمهوری اسلامی و هر نوع تبعیض و نابرابری هستید دعوت میکنیم تا کمک های مالی خود را به دست ما برسانید.

تلویزیون کانال جدید  
۵ فروردین ۱۴۰۰ (۲۵ مارس ۲۰۲۱)

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و  
از هر کشور دیگر:

انگلیس:

### England

Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024  
2345477981  
BIC: NWBK GB 2L

### Germany

M. Eli  
Commerzbank  
Kontonr: 727634800  
BLZ: 60040071  
IBAN:  
DE84600400710727634800  
BIC/SWIFT: COBADEF-  
FXXX

آلمان:

### Sweden

Kontonr: 412379-3 SEK  
Bankkontonr: 9960 2641  
223 793  
Kontoslag: PLUSGI-  
ROKONTO FÖRETAG  
IBAN: SE10 9500 0099  
6026 4122 3793

و یا سوئد:

Swish number  
1234302402



اگر سوالی دارید میتوانید با شماره  
زیر تماس بگیرید:

واتس آپ- سیگنال و تلگرام  
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳